

نگاهی به اقتصاد جهان

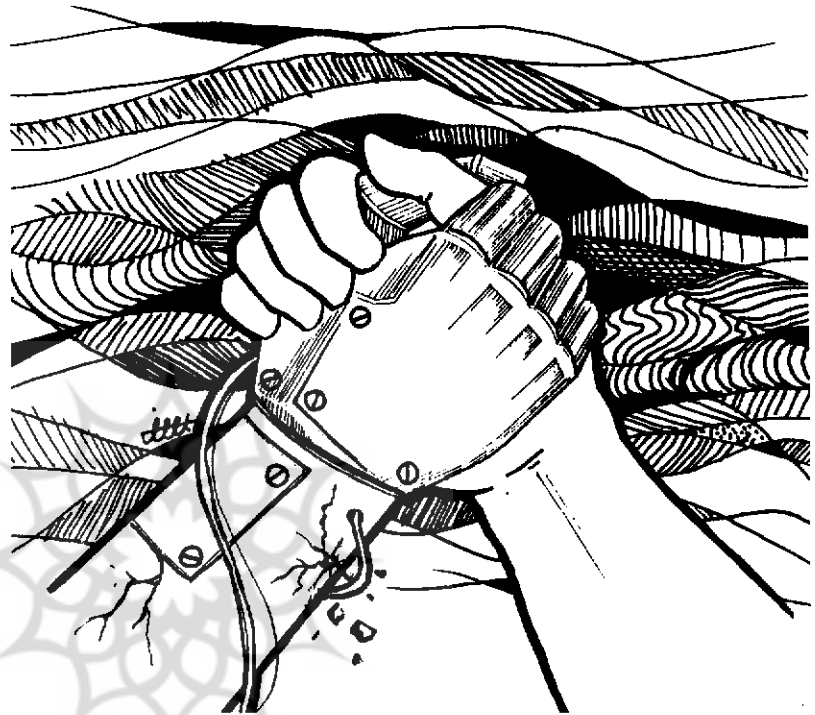
از: مرکز تحقیقات و بررسیهای اقتصادی اتاق

اکنون باید برای کشورهای صنعتی بهترین زمان باشد، ملتهای اروپای شرقی و شوروی سابق پس از نیم قرن در فشار بسربردن، کمونیسم را به خاک سپرده‌اند. رهبران چین کمونیست به استقبال بازار آزاد می‌روند. دولت‌های امریکای لاتین گرایش به سوی سرمایه‌داری و دموکراسی را سرعت بخشیده‌اند. پایان جنگ سرد برای کشورهای صنعتی طلیعه صلح بود. علاوه بر این، نوید دسترسی به بازارهای تازه و فرصتهای اقتصادی جدید می‌داد.

کشورهای سرمایه‌داری نوظهور با نیروئی چشمگیر با کشورهای ثروتمند و بین خودشان پیوندهای تجاری برقرار کرده‌اند، اقتصادهای بلوک شرق سابق، کالا و مصنوعات بیشتری به دشمنان سابق خود می‌فروشند، کشورهای جهان سوم از شرکتها و سرمایه‌گذاران خارجی که زمانی سمبول امپریالیسم غرب محسوب می‌شدند استقبال می‌کنند. در نتیجه، اقتصادهای جهان سوم روبه بهبودی است. از سال ۱۹۸۹ به بعد اقتصاد مالزی سالی ۹٪، اقتصاد اندونزی ۶/۸٪ و اقتصاد شیلی ۷٪ رشد داشته و بر درآمد سرانه چین ۳۰٪ افزوده شده است. (توضیح خارج از متن برای مقایسه: ایران در این مدت بطور متوسط سالانه ۸/۲ درصد رشد داشته است)

اما امید به افزایش مشابهی در فعالیت اقتصادی کشورهای صنعتی به یأس مبدل گردیده است. کانادا، انگلیس و امریکا دچار رکود شده‌اند. در بیست سال گذشته اقتصاد ژاپن هیچگاه به اندازه کنونی ضعیف نبوده و اقتصاد اروپا راکد است. سطح اشتغال در هفت کشور ثروتمند عمده جهانی که «به گروه هفت» مشهورند ظرف دو سال اخیر تنزل کرده است. بیش از ۲۵ میلیون نفر در اروپا بیکارند و شمار بیکاران روبه افزایش است.

جای تعجب نیست که عده زیادی از مردم نسبت به آینده خوشبین نیستند و بیم آن دارند که اقتصادهای درجه اول جهان برتری خود را از دست بدهند. بالا نرفتن دستمزدها موجب برانگیختن احساسات ضد مهاجرین در



● آیا کشورهای صنعتی و جهان سوم جای خود را با یکدیگر عوض می‌کنند؟

● سهم کشورهای روبه توسعه در صادرات جهان از ۳ درصد به ۲۰ درصد رسیده است.

● در حالیکه متوسط رشد دنیای صنعتی ۰/۱ درصد است، جهان سوم بطور متوسط سالانه ۴/۶ درصد رشد داشته است.

● پاره‌ای از کشورهای جهان سوم سالانه تا ۹ درصد رشد داشته‌اند.

● «رشد متوسط اقتصادی ایران در چهار سال گذشته، سالانه ۸/۲ درصد بوده است».

● برتری نیروی فکری غرب روبه کاهش است.

● دانشمندان کشورهای سابقاً کمونیست در تحقیقات جهانی سهم شایسته‌ای بعهده گرفته‌اند.

اروپا و آمریکا گردیده است. افزایش فقر این نگرانی را پدید آورده است که سطح رفاه کاهش خواهد یافت.

علت چیست؟ چرا آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی نمی‌توانند مانند سابق رشد کنند؟ چرا بیکاری، زیاد و چشم‌انداز اشتغال تیره است؟ جواب اینست که با پایان یافتن جنگ سرد، نظم اقتصادی جدیدی همراه با رقابت بیرحمانه به جهان حکمفرما شده است. این نظم نوین سالها دوام خواهد داشت و زندگی را تقریباً بر همه کس (از کارگر خط مونتاژ گرفته تا مدیرعامل کمپانی بزرگ) سخت خواهد کرد.

نیروی بنیادی این نظم نوین، پیوستن کشورهای سرمایه‌داری جدید و بخش بزرگی از جهان در حال توسعه به اقتصاد جهانی است. این پیروان جدید بازار آزاد که جمعیتی بیش از سه میلیارد دارند و بسیاری از آنها در جستجوی زندگی بهتری هستند با تلاش بیسابقه‌ای با جهان صنعتی به رقابت برخاسته‌اند.

سهم کشورهای روبه‌توسعه از صادرات جهان، فقط ظرف سه سال حدود ۲٪ بالا رفته و به ۲۰٪ رسیده است. همزمان با تضعیف سوسیالیسم از روسیه تا ویتنام و باز شدن مرزها از مکزیک تا آرژانتین و اندونزی، نظام بازرگانی نوینی در جهان نمودار می‌شود. کشورهای ثروتمند بر اثر ورود عجیب کالا و نفرات از کشورهای بلوک شرق سابق و جهان در حال توسعه، دچار شوک شده‌اند. شرکت‌هایشان برای حفظ قدرت رقابت، کارخانه‌ها را به خارج می‌برند، تعداد کارکنان را کاهش می‌دهند و برای بالا بردن تولید در تکنولوژیهای جدید سرمایه‌گذاری می‌کنند.

افزایش تقاضا

پایان جنگ سرد ضربه دیگری بر اقتصادهای صنعتی وارد کرده است. چون دیگر خطر شوری وجود ندارد پرهزینه‌ترین مسابقه تسلیحاتی تاریخ نیز خاتمه یافته و کاهش پرسنل و بودجه‌های نظامی آغاز گردیده است. یکی از

اساتید اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید «کمترین سوغات صلح در کوتاه مدت، بیکاری است.»

آیا نظم اقتصادی نوین نشانه پایان ثروت و رفاه کشورهای صنعتی است؟ پاسخ برخی کارشناسان به این سؤال، مثبت است. رئیس یکی از شرکتهای بزرگ فولادسازی اروپا که از رقابت خارجی زیان دیده است می‌گوید «وقتی سطح رفاه در کشورهای روبه توسعه بالا رود به همان نسبت سطح رفاه در غرب پائین خواهد آمد.»

اما تاریخ خلاف این پندار را نشان می‌دهد. بازرگانی آزادتر و بازارهای وسیعتر، رشد را بیشتر می‌کند، نه کمتر. شوک ناشی از ورود کالاهای ارزان کشورهای سرمایه‌داری جدید سبب افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات پیشرفته می‌شود و مشاغل تازه و ثروت اقتصادی در کشورهای صنعتی ایجاد می‌کند. کشورهای سرمایه‌داری جدید نیازهای زیربنایی فراوان (از نیروگاه گرفته تا دستگاههای کنترل ترافیک هوایی) دارند. ضمناً با بالا رفتن درآمد سرانه، میلیاردها نفر مصرف‌کننده خواهند داشت.

اشکال در اینست که این افزایش تقاضا به زمان احتیاج دارد. چند اقتصاد در آمریکای لاتین و آسیا - از جمله مکزیک و چین حرارتشان از هم اکنون کاهش یافته است زیرا دولت‌ها فشارهای تورمی را مهار می‌کنند. عدم ثبات سیاسی بویژه در اروپای شرقی و روسیه نیز ممکن است تقاضا را در کشورهای سرمایه‌داری نوظهور سست کند. یکی از اقتصاددانان می‌گوید «بهبود اقتصادی جهان صنعتی دو الی سه سال طول می‌کشد و اگر با بدبینی بنگریم ممکن است حتی ۱۰ سال طول بکشد.»

آنچه بیشتر مایه نگرانی است اینست که دولت‌های کشورهای صنعتی ممکن است در برابر فشار زیاد تسلیم شوند و سدهای تازه‌ای در مقابل واردات ایجاد کنند. درسی که از «کساد بزرگ» (اواخر دهه ۱۹۲۰) می‌توان گرفت اینست که حمایت گزافی بمنظور فقیر

کردن کشورهای دیگر به سقوط اقتصادی منتهی خواهد شد.

در حال حاضر سیل مواد خام و کالاهای ارزان به سوی کشورهای صنعتی روان شده است. زغال سنگ، نیکل، منیزیم و سایر کالاهای از روسیه (گاه بطور قاچاق از طریق کشورهای تازه استقلال یافته بالتیک) وارد اروپای غربی می‌شود. در مسکو شایع است که بسیاری از تازه به دوران رسیده‌های جوان که در شهر با بنزها و ب ام وهای خود گردش می‌کنند از تجارت فلزات پولدار شده‌اند.

سال گذشته شرکتهای آلومینیوم‌سازی روسیه یک میلیون تن آلومینیوم به بازارهای جهان فروختند. یکی از دلایلی که ۷۵۰ کارگر «شرکت آلومینیوم آمریکا» بیکار شدند و یک چهارم ظرفیت تولیدی آن از ۲۸ ژوئن (۲۲/۴/۷۲) بدون استفاده ماند هجوم فروشندگان روسی بود. صنعت آلومینیوم در کشورهای غربی ۵/۷٪ یعنی ۱/۲ میلیون تن از تولیدش پائین آمده است. رئیس کمپانی آلکو می‌گوید «بعقیده ما وضع صنعت آلومینیوم در مورد چند صنعت فلزات پایه صدق می‌کند. چندی بعد ممکن است همین وضع برای کالاهای صنعتی و ساخته شده از جمله مصنوعات پیشرفته‌ای چون هواپیماهای تجاری پیش آید.»

بازار آزاد در جنوب آسیا و اخیراً در آمریکای لاتین پابرجا شده است. هر دو منطقه با نیروی کار وسیع و دستمزدهای ارزان در جستجوی بازار فروش و کار هستند مثلاً یک کارگر آلمانی پنج برابر کارگر تایوانی و ده برابر کارگر برزیلی یا مکزیک دستمزد می‌گیرد. لذا جای تعجب نیست اگر کمپانیهای کشورهای صنعتی بعضی کارخانجات را به این نواحی منتقل می‌کنند. موضوع، تنها ارزانی کارگر نیست. کره و تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور که به «چهار ببر» آسیا معروفند بر اثر انتقال تکنولوژی از کشورهای صنعتی، صنایع پیشرفته‌ای ایجاد کرده‌اند. شرکتهای چند ملیتی در اینگونه کشورهای در حال توسعه، محصولاتی با تکنولوژی جدید تولید می‌کنند و

تولیدات صنعتی در کشورهای روبه توسعه بطور کلی از سال ۱۹۸۹ به اینطرف سالی ۴/۶٪ رشد کرده است در حالیکه در کشورهای شروتمند عمده فقط سالی ۰/۱٪ رشد داشته است. برزیل انواع کالا از زراتور نیروگاههای آبی گرفته تا موتور چرخ خیاطی صادر می‌کند. در سال گذشته ۱۵٪ کل واردات کالاهای مصرفی آمریکا از چین بود در صورتیکه قبل از سال ۱۹۸۲ سهم چین در اینگونه واردات آمریکا، فقط ۵٪ بوده است.

برنامه نویسان لهستانی

برتری دیرین نیروی فکری غرب نیز روبه کاهش است. بسیاری از رقیبهای جدید از لحاظ تراشکاران و مهندسين ماهر و حتی دانشمندان طراز اول، کمبود ندارند. شرکت آمریکایی نگراس اینسترومنتس از سال ۱۹۸۶ به بعد در هند مدارهای مجتمع و نرم افزار، طرح ریزی می‌کند. شرکت سان مایکروسیستمز اخیراً برای تحقیقات نرم افزار و مایکروپروسور (ریزپردازنده) دانشمندان روسی را استخدام کرده است. سه سال پیش مدیرعامل کراسکام کورپ که شرکت سازنده تجهیزات مخابراتی است، و ۳۰ میلیون دلار سرمایه دارد، با یکی از استادان دانشگاه «گدانسک» لهستان آشنا شد و توسط این استاد، برنامه ریزان کامپیوتری دانشگاه مزبور را که مهارتشان در سطح بالا و حقوقشان در سطح پائین بود، استخدام کرد. حقوق این لهستانیها بین ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار در ماه است که بسیار کمتر از حقوق متخصصین آمریکایی مشابه آنهاست ولی مهارتشان درحدی است که نرم افزار جدیدترین و پیشرفته ترین شبکه کراسکام را دانشگاهیان گدانسک نوشته اند.

این قبیل گزارشها علت افزایش سرمایه گذاری در کشورهای روبه توسعه را روشن می‌کند. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها که بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ بطور متوسط ۲۳ میلیارد دلار بود، دو برابر شد و در

سال ۱۹۹۲ تقریباً به ۵۰ میلیارد دلار رسید. سرمایه گذاران اعم از خارجی و داخلی میلیاردها دلار دیگر وارد بازار سهام کشورهای چون مکزیک، هند و کره می‌کنند. سرمایه گذاران خارجی برای خرید سهام شرکتیهای خصوصی شده، هجوم آورده اند. فروش شرکتیهای دولتی به سرمایه گذاران خصوصی در اروپای شرقی مخصوصاً در لهستان و جمهوری چک روبه افزایش است. روسیه با وجود مخالفین این اقدام، بزودی صنایع سنگین خود را خصوصی خواهد کرد.



متهم به قصور

خصوصی کردنهای برق آسا از پروتا آرژانتین در امریکای لاتین انقلابی اقتصادی براه انداخته است. برای مثال آرژانتین روز ۲۸ ژوئن سهام شرکت دولتی نفت را فروخت. رویهمرفته سرمایه گذاران آرژانتینی و خارجی ۴۵٪ شرکت نامبرده را خریدند و سه میلیارد دلار عاید خزانه دولت شد. رومر استاد اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا می‌گوید «در سالهای ۱۹۶۰ و سالهای ۱۹۷۰ بسیاری از کشورهای فقیر معتقد به خودکفایی بودند و درهاشان را به روی

جهان صنعتی بستند. بزرگترین تحولی که در جهان سوم حاصل شده اینست که امروز بسیاری از کشورها به مزایای سرمایه گذاری خارجی مستقیم و پیوستن به اقتصاد جهانی پی برده اند».

نظم نوین اقتصادی سرعت جهان صنعتی را که زمانی تورم گرا بود دگرگون کرده است. رقابت بین المللی شدید، فشار نزولی بر قیمتها وارد می‌کند و تورم زدایی ملاک عمل شده است. قیمتهای مصرفی در کشورهای «گروه هفت» از نرخ میانگین سالانه ۴/۷٪ در ۱۹۹۰، اصالح به ۲/۹٪ رسیده است. در امریکا رشد شاخص قیمتهای مصرفی در سه ماهه پیشین به ۲/۲٪ رسیده بوده.

راه دیگر اندازه گیری فشار تورم زدایی، بکار بردن نظریه «شکاف بازده»^(۱) یعنی اختلاف میان تولید ناخالص داخلی بالقوه و تولید ناخالص داخلی بالفعل یک کشور است. شکاف بازده در شش کشور صنعتی ردیف اول، بر پایه برآوردهای بهره وری و رشد نیروی کار ۵٪ GDD (تولید ناخالص داخلی) است که نشانگر ظرفیت اضافی چه در بازارهای کار و چه در بازارهای محصول آنهاست.

اما ظاهراً بانکهای مرکزی جهان صنعتی به این نشانه های تورم زدایی توجهی ندارند و با اعمال سیاست تضییق پولی، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهند. بقول یکی از اقتصاددانان امریکایی از مؤسسه «فرست بوستون»، تاریخ، بانکهای مرکزی را به قصور در مبارزه با تورم در سالهای ۱۹۷۰ و سالهای ۱۹۸۰، متهم کرده است. در آینده آنها را به قصور در جهت عکس طی سالهای ۱۹۹۰، متهم خواهد کرد.

سیاست مالیاتی نیز رشد را در جهان صنعتی کاهش داده است. برنامه های تامین اجتماعی در کشورهای صنعتی بسیار پرهزینه شده است. کسر بودجه هاشان به میانگین ۴٪ جی دی پی نزدیک می‌شود که رقمی بیسابقه است. کشورهای «گروه هفت» به استثنای ژاپن سعی می‌کنند مخارج دولت را تقلیل دهند. طبق نظر اقتصاددانان مؤسسه «مورگان استانی»، مضیق مالیاتی ممکن است رشد

اقتصادی جهان صنعتی را در ۹۴-۱۹۹۳ اقلأ به میزان یک درصد کاهش دهد.

مسابقه کم هزینه

کاهش هزینه‌های دفاعی تیشه به ریشه زیربنای صنعتی و نیروی کار ماهری می‌زند که طی نیم‌قرن گذشته رشد و نمو کرده است و بیش از همه در اقتصاد آمریکا تاثیر می‌گذارد. از سال ۱۹۸۹ به بعد هزینه نظامی با منظور کردن تورم، ۱۵٪ تنزل کرده و یک میلیون کارگر صنایع دفاعی بیکار شده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که ظرف چهار سال آینده هزینه واقعی نظامی باز هم ۲۵٪ کاهش یابد و یک میلیون کارگر دیگر شغل خود را از دست بدهند. برای مثال کمپانی لاکهید در نظر دارد تا آخرسال آینده بیست و چهار درصد از کارکنان کارخانجاتش در شهر فورت ورت را مرخص نماید. این اخراجها اکثرأ معلول کاهش تولید جنتهای جنگنده اف-۱۶ می‌باشد.

در اروپا هزینه واقعی دفاعی از سال ۱۹۸۹ به اینطرف ۱۲٪ تنزل کرده و بیشترین کاهشها در فرانسه و انگلیس بوده است پیش‌بینی می‌شود که هزینه‌های نظامی اروپا سالی ۵٪ تا آخر دهه کنونی، تنزل کند و طبق برآورد «موسسه تحقیقات صلح استکهلم» حدود یک سوم الی نصف کارگران اسلحه‌سازی اروپا ظرف چند سال آینده بیکار خواهند شد.

جهان صنعتی کم کم خود را با نظم اقتصادی نوین تطبیق می‌دهد اما راهی دشوار و ناهموار در پیش دارد. آمریکا اندکی از دیگران جلوتر است زیرا ده سال است که بر سر سود و بازار با ژاپن، آلمان و «چهار بزرگ» آسیا مبارزه می‌کند. شرکتهای آمریکایی که با رقابت سرسختانه‌ای در داخل و خارج مواجهند روی تکنولوژیهای جدید سرمایه‌گذاری کرده و به کارخانه‌ها سروسامان داده‌اند. آمریکا بیش از هر کشور صنعتی دیگر در برداشتن مقررات از خدمات مالی، شرکتهای هواپیمایی، مخابرات و حمل و نقل جاده‌ای خود جلو رفته است.

نتیجتاً حتی صنایعی که از دیرباز تحت حمایت بوده‌اند ناچار شده‌اند برای مقابله با رقابت در قیمتها، ساختارشان را تجدید کنند.

شرکتهای آمریکایی در سالهای اخیر رقابت‌پذیرتر شده‌اند حتی نیروی کار آمریکا علیرغم رقابت شدید خارجی، قدرت رقابتش بالا رفته است. به عنوان مثال کمپانی زیراکس را در نظر بگیرید. زیراکس از شرکت مختلفی که در ژاپن دارد ماشینهای ارزان فتوکپی وارد آمریکا می‌کند اما در عین حال، ماشینهای گرانقیمت فتوکپی را در ایالت نیویورک تولید و به ژاپن صادر می‌کند. به نظر زیراکس بسیاری از شرکتهای دیگر آمریکایی، هزینه کار، تنها یکی از عوامل در معادله پیچیده جهانی به شمار می‌آید. کیفیت و بهره‌وری کارگر هر دو اهمیت خاص دارد. نایب رئیس اجرایی زیراکس می‌گوید «در اقتصاد جهانی بهم وابسته، ما نمی‌خواهیم خود را گرفتار مسابقه ارزانی قیمت کنیم.»

انتقال به خارج

اروپا نیز در مراحل اولیه این بازسازی دشوار است. مثلاً دولت جدید فرانسه برنامه خصوصی کردن بیست و چند شرکت دولتی از جمله ایرفرانس و رنو را اعلام کرده است. وقتی این شرکتهای دولتی به دست مالکین خصوصی بیفتد سهامداران سعی خواهند کرد آنها را کارآمدتر و رقابت‌پذیرتر کنند و عملیات آنها را بازسازی نمایند. کمپانیهای آلمان هم که از رقیبهای جهانی ضربه دیده‌اند کارگران خود را مرخص و کارخانجات جدید را به خارج منتقل می‌کنند.

اما مسلماً این بازسازیها دیرتر از بازسازیهای آمریکا انجام خواهد شد. اتحادیه‌های کارگری اروپا قوی‌تر و امنیت شغلی کارگران آنجا بر مراتب بیشتر است. جامعه اروپا (بازار مشترک) می‌خواهد حجم تولید فولاد را کم کند اما دولتهای ایتالیا و اسپانیا و بعضی دولتهای دیگر مایل نیستند سوبسید

شرکتهای فولادسازی را کاهش دهند، مبادا بر شمار بیکاران افزوده شود. فولادسازان آلمان دست و پا می‌کنند تا مقامات جامعه اقتصادی اروپا، اروپای شرقی را مشمول مزایای بیکاری نموده از ورود فولاد اروپای شرقی جلوگیری کنند. سیل مهاجرین از کشورهای همجوار اروپای غربی، که قبلاً کمونیست بوده‌اند، با ایجاد اختلافات قومی، بر تشنجهای اجتماعی افزوده است.

حتی ژاپن هم کم کم فشار نظم اقتصادی نوین را حس می‌کند. درست است که از مازاد عظیم بازرگانی برخوردار و برخلاف دیگر کشورهای صنعتی، دارای مازاد مالی است لیکن رشد اقتصادی آن به پائین‌ترین حدی که تقریباً در دو دهه گذشته سابقه نداشته، رسیده است و حزب لیبرال دموکرات برای اولین‌بار پس از چهل سال قدرت، ناگزیر شده است با مشارکت احزاب دیگر، دولت تشکیل دهد.

کمپانیهای ژاپنی از رقابت فزاینده بین‌المللی بالاخص در بازارهای خارجی، لطمه دیده‌اند. برای خنثی کردن آن، کارخانجات بیشتری در کشورهای دیگر تاسیس می‌کنند هرچند در خود ژاپن تعداد بیکاران روبه افزایش است. گسترش کارخانه اتومبیل‌سازی شرکت نیسان موتور در مکزیک با صرف هزینه ۸۰۰ میلیون دلار سبب خواهد شد که نه تنها برای بازار مکزیک بلکه برای صادر کردن به ژاپن، کانادا و دیگر نواحی آمریکا لاینین، خودرو تولید گردد. اوتنوها را که مشاور عالی‌رتبه کمپانی ان‌ئی‌سی (نیپون الکتریک) است و قبلاً از رؤسای ارشدو عضو هیئت مدیره آن بوده است می‌گوید «ما باید به انتقال تولید به خارج از کشور سرعت بخشیم، ناچاریم.»

چشم‌انداز تیره نیست

چشم‌انداز جهان صنعتی ناهموار ولی تیره نیست. کاهش نرخ تورم در همه کشورهای ثروتمند سبب پائین آمدن نرخ بهره در آنها

بین المللی وزارت خزانه داری آمریکا به اینگونه درخواست کنندگان تذکر می دهد که «منزوی کردن اقتصادی تازه صنعتی شده رویه پیشرفت، خطای اقتصادی فاحشی است.»

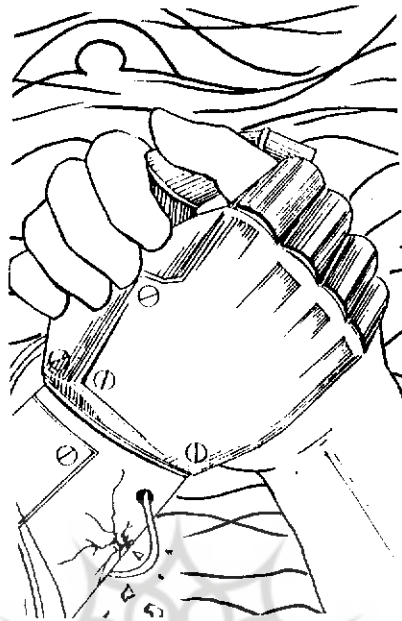
رهبران کشورها نمی توانند دیگر نسبت به این هشدارها بی اعتنا باشند. اجلاس اخیر «گروه هفت» نشان داد که رهبران جهان می کوشند تعرفه ها را کاهش دهند و درها را بازتر کنند. نظام بازرگانی آزادی که آمریکا از سال ۱۹۴۵ سنگ آنرا به سینه می زده عمدتاً هدف امنیتی داشته و ترس از کمونیسم مانع از آن بوده است که اختلافات اقتصادی، بین کشورهای صنعتی نفاق بیندازد. اما اکنون که خطر کمونیسیم از میان رفته است، مسائل بازرگانی به مراتب مناقشه انگیزتر شده است.

به هر حال بازارهای آزادتر و تجارت آزاد در نظام اقتصادی بین المللی نوین چیزی است که نهایتاً به رشد ضعیف و بیکاری شدید در جهان صنعتی پایان خواهد داد. بیش از دو بیست سال قبل آدام اسمیت اسکاتلندی بنیانگذار علم اقتصاد سیاسی گفته است «اگر کشوری بتواند کالایی برای ما فراهم کند که ارزانتر از آن باشد که خودمان می توانیم تولید کنیم بهتر است آن کالا را از آن کشور با بخشی از مصنوعات خودمان بخریم.» نظم اقتصادی نوین در واقع همین است. هر چه زودتر جهان صنعتی خود را با این نظم تطبیق دهد، بهبود اقتصاد جهانی زودتر آغاز خواهد شد. ■

مأخذ: نشریه بی بیزنس ویک ۹۳/۸/۲

پی نوشت:

۱. Output gap



سازره با رقیبهای خارجی «بی انصاف» برخاسته اند. زعمای سیاسی جهان صنعتی با درخواستهای فزاینده مبنی بر جلوگیری از واردات و مهاجرین، مواجهند. حتی معاون



شده است. در سراسر جهان صنعتی، شرکتها پس از یک دهه ولخرجی قرض دار، که ساختمانهای سربلک کشیده احداث کرده اند، اینک وامهای پرهزینه را با نرخهای نازلتر تامین اعتبار می کنند. میلیاردها دلار سهام سرمایه جدید می فروشند.

در بلندمدت، بازرگانی آزادتر احتمالاً رشد اقتصادی سریعتری بسیاری آورد. کشورهای سرمایه داری نوظهور که بسیاری از اقتصادهاشان از رشد سالانه ۵٪ الی ۹٪ برخوردار است، کم کم پول بیشتری صرف جاده سازی، احداث فاضلاب، حفظ محیط زیست، بهداشت و تسهیله کالاهای مصرفی می کنند. ظرف دهه آینده انتظار می رود منطقه شرق آسیا، منهای ژاپن، دست کم هزار میلیارد دلار صرف مخابرات راه دور و نیروگاهها کند. کمپانی وستینگهاوس اخیراً اعلام کرد که برای امروزی کردن ۴۰۰ نیروگاه در چین، قرارداد بسته است.

خطای فاحش

خریده های مصرف کنندگان نیز در کشورهای روبه توسعه با سرعت بیشتری از خریدهای مصرف کنندگان کشورهای صنعتی بالا رفته و سود خارجی شرکتهایی چون کوکاکولا، مکدونالد و سیتیکورپ افزایش یافته است. مدیرعامل «شرکت شیمیایی دائو» می گوید میلیاردها مصرف کننده جدید به بازار می آیند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، میزان افزایش چشمگیری خواهد بود.

این نشانه های بهبود بازرگانی و چشم اندازهای رشد بهتر در چند سال آینده، هنوز اطمینان بخش نیست. در کلیه کشورهای صنعتی، مؤلفه رقابت جهانی و دگرگونی تکنولوژیکی، کارگران را بیکار می کند و دستمزدها را پائین نگه می دارد. ارزانی کارگر در کشورهای سرمایه داری نوظهور روز به روز شغل عده بیشتری از ساکنان کشورهای صنعتی را تهدید می کند. صاحبان بسیاری از صنایع به